

گفت‌وگویی صبا با عوامل نمایش «دلاور سرزمین غرب» بر اساس نوشته‌ای از نویسنده ایرلندی

# ظهور و سقوط یک قهرمان پوشالی

رضا سیاغری:

ماشین هنر مخصوصا تئاتر از ماشین زندگی

جلوتر است

در مورد چگونگی آشنایی تان با این متن و نویسنده‌اش بگویید.

آشنایی من با این متن به صورت اتفاقی بود. یکی از دوستانم با توجه به سلیقه من این نمایشنامه را پیشنهاد داد و وقتی که نمایشنامه را خواندم از آن خوشم آمد چون من سبک و سیاق کم‌دی تلخ یا گروتسک را بسیار دوست دارم و سلیقه‌ام نیز بیشتر به سمت آثار و سبک چخوف است و هر اثری که رنگ و بویی از چخوف داشته باشد مرا جذب می‌کند. نویسنده اثر جان میلینگتون سینک یک نویسنده ایرلندی است که در واقع پدر معنوی برخی نویسندگان مشهور ایرلند مثل شان اوکیسی و مارتین مک دونا محسوب می‌شود. حتی مارتین مک دونا نمایشنامه‌ای به نام غرب غم زده دارد که بر اساس یک دیالوگ از نمایشنامه دلاور سرزمین غرب نوشته شده. مک دونا و شان اوکیسی که نویسنده‌ای زبردست هستند هر دو به شدت تحت تاثیر جان میلینگتون سینک و آثار سینک بیشتر جنبه رئال و فضای کلاسیک دارد.

شما تعلیم یافته مکتب استاد سمندریان هستید کمی از این ریشه‌های تئاتری بگویید.

چیزی که استاد سمندریان تلاش می‌کردند تا به ما هنرجویان شان بیاموزند این بود که ما نویسنده اثر را خوب بشناسیم. اینکه در چه حال و هوایی و در چه کشوری زندگی کرده است. برای ما مثال می‌زدند که متلاسوندی‌ها خیلی

خونسردند، ایتالیایی‌ها خیلی پر جنب و جوش و ایرلندی‌ها خیلی شلوغ کن، همیشه به ما می‌گفتند پس از اینکه نویسنده فضا را شناختید سعی کنید تا خیلی به متن پایبند باشید. یعنی اگر بتوانید آن فضای اثر را به تصویر بکشید کار بزرگی کرده‌اید. من نیز سعی کردم در این کار به متن پایبند باشم و یک فضای کلاسیک خلق کنم البته که نوآوری‌های هم باید انجام می‌دادم. پس شخصیت‌هایی اضافه کردم و جاهایی از متن را تغییر دادم. در انتهای متن اصلی پدر دست پسر را گرفته با خود می‌برد ولی در نمایش ما پدر کشتی رخ می‌دهد. دیدگاه سینک بیشتر تخبه کشتی از سوی جامعه است ولی من می‌خواستم چیزی که بیشتر به حال و هوای کشور ما نزدیک است یعنی شرایط جنگ بین سنت و مدرنیته را در اثر بگنجانم. مخصوصا که جوانان یکی دو دهه اخیر بسیار تلاش می‌کنند از فضای سنتی فرار کنند و اساسا این فضا را نمی‌پذیرند. من در این اثر پدر را نماینده سنت و جامعه رانیز یک جامعه نادان در نظر گرفتم که نمی‌دانند چه کسی را تبدیل به لیدر خود می‌کنند و با تمام این تغییرات تلاش کردم که به فضای اصلی اثر پایبند بمانم.

در طول نمایش قاب‌هایی تشکیل می‌شود که به نمایش از نظر بصری قدرت می‌بخشد در این مورد بگویید.

خودم به قاب بندی بسیار علاقه دارم و فکر می‌کنم این جنبه در من از آثار تصویری که کار کردم باقیمانده است و چون بسیار به فیلم سازی و تصویر علاقه مند هستم سعی کردم قاب‌های خوبی ببندم. یک جمله همیشه از حمید سمندریان در ذهنم است که می‌گفتند هر یک بیست و چهارم ثانیه یعنی هر

مریم عظیمی  
گفت و گو

رضا سیاغری در اولین تجربه صحنه‌ای حرفه‌ای خود به سراغ متنی از جان میلینگتون سینک رفته و با گروه جوانش در سالن نوفل لوشاتو این روزها فضایی کلاسیک و ایرلندی را به نمایش می‌گذارد. در ادامه گفت‌وگوی خبرنگار صبا با عوامل این نمایش را می‌خوانید.

یک فریم در تئاتر که باید مانند یک تابلوی نقاشی باشد و باید دقت کنید که این تابلو را خوب چیدمان کنید.

در بازی‌های بازیگران شاهد یک نوع اگر چه بودن و اغراق هستیم که شاید تعدی بر جنبه گروتسک اثر است.

به هر حال بازیگران من هرچند که بازیگران بسیار با استعدادی هستند فعلا دانشجو هستند و در مسیر حرفه‌ای شدن گام برمی‌دارند و من گاهی برای رسیدن به نقش به جای آنها بازی می‌کردم و فکر می‌کنم تلاش برای نزدیک شدن به آنچه من نشان داده‌ام در بازی آنها تبدیل به مقداری اغراق شده باشد. اما در اغراق بازی‌ها فضای گروتسک اثر نیز در ذهن من بود و سعی می‌کردم بازی‌ها را تا حدی پررنگ‌تر زندگی عادی جلوه بدهم. به نظر من ماشین هنر مخصوصا تئاتر کمی از ماشین زندگی جلوتر است. اما به این واقف هستم که این شیوه بازی برای این سالن مناسب نبود از طرفی سالن مد نظر ما سالن اصلی تئاتر شهر و سالن اصلی مولوی بود که متاسفانه به خاطر پاره‌ای از مسائل هیچ کدام ممکن نشد.

در مورد باز خوردهایی که تاکنون داشتید بگویید.

تاکنون اغلب باز خوردهای موافقی دریافت کرده‌ایم. حتی استاد قطب الدین صادقی که مطمئن هستیم با تعارف صحبت نمی‌کنند و یامن هم بسیار روراست هستند گفتند که کار را پسندیده‌اند. همینطور

